

مبانی حقوقی بیمه مسئولیت مدنی

مدیران ورزشی

عباس ویشته^۱

چکیده

با توجه به نقش ورزش در جوامع مدرن بشری و به ویژه اثرگذاری آن بر بسیاری از ارکان اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی، این مقاله به دنبال تبیین جایگاه مدیران ورزشی در قبول مسئولیت حوادث پیش آمده در مسابقات ورزشی و بررسی آن برای ارائه بیمه‌های مسئولیت مدیران ورزشی با تأکید بر مسئولیت‌های مستقیم است.

واژگان کلیدی:

بیمه مسئولیت مدیران ورزشی، حقوق مدنی، حقوق بیمه

مقدمه

امروزه ورزش به یکی از پرطرفدارترین موضوع‌های مورد توجه انسان امروزی تبدیل شده است. صرف‌نظر از جنبه تفریحی آن، ورزش به عنوان صنعتی درآمدزا مورد توجه سرمایه‌داران نیز قرار گرفته و باشگاه‌ها و مسابقات ورزشی به منزله منابع کسب درآمد مطرح شده‌اند.

۱. این مقاله با استفاده از یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده در رشته معارف اسلامی و حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق نوشته شده است.

گسترش ورزش با مطرح شدن مسائل جدید همراه بوده است؛ مسائلی که خود موجب رونق حقوق ورزش شده است. از جمله این مسائل بحث مسئولیت مدنی در ورزش است. این نوع مسئولیت صورت‌های مختلفی دارد و دعاوی جدیدی را در دادگاه‌ها مطرح کرده است. در این میان مسئولیت مدیران ورزشی جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا این حرفه را به صورت شغلی پرخطر درآورده است؛ شغلی که بیم طرح دعاوی مختلف مسئولیت مدنی از سوی اشخاص گوناگون در آن همواره وجود دارد و این وضعیت خطرناک است و این امر نیاز به پوشش بیمه‌ای حمایت‌کننده را الزامی می‌سازد؛ بیمه‌ای که مدیران ورزشی را در برابر این تهدیدها مراقبت کند. این نوشته در پی تبیین مسئولیت‌های این مدیران و نوع قراردادی است که آنها می‌توانند منعقد کنند. اما انگیزه اصلی نوشتن این مطلب تلاش برای احقاق حق خسارت‌دیدگان واقعی حوادث ورزشی در جامعه است.

توضیح آن که در واقع آنچه در جامعه ما تا به حال رخ داده است زیانکار شدن مدیران ورزشی بر اثر مسئولیت مدنی نبوده است، بلکه متضرر شدن ورزشکاران و دیگر اقدار جامعه به دلیل واضح نبودن مقررات حقوقی مسئولیت مدنی، به ویژه در مسائل ورزشی، و عدم آگاهی قربانیان اصلی از حقوق خود بوده است. مواردی چون فاجعه اردیبهشت ۱۳۸۰ ورزشگاه ساری و نقص عضوهای ورزشکاران مختلف، از جمله مواردی است که در آنها معمولاً مدیران مؤسسات ورزشی - که غالباً وابسته به دولت بوده‌اند - از زیر بار مسئولیت مدنی‌شانه خالی کرده‌اند. این نوشتار در پی تشریح و توضیح حقوق این زیان‌دیدگان و جست‌وجوی روش جبران این خسارت‌ها از طریق بیمه است.

در واقع متداول شدن بیمه مسئولیت‌مدنی مدیران ورزشی از یک سو بازار جدیدی برای شرکت‌های بیمه به همراه دارد و از دیگر سو ضررهای وارد به تماشاچیان،

ورزشکاران، سرمایه‌گذاران در ورزش و سایر اشخاص متضرر از ورزش را جبران می‌نماید. امید است که این نوشته در این راه مفید واقع شود.

۱. ورزش و مدیر ورزشی

صرف‌نظر از معنی لغوی، برای شناختن وظایف و حدود اختیارات مدیر باید ابتدا مؤسسه‌ای را که بر آن مدیریت می‌کند شناخت و سپس منابع قانونی تبیین‌کننده وظایف و اختیارات او را یافت. در گام نخست برای بررسی مؤسسات ورزشی، ما به دو نوع نهاد ورزشی برمی‌خوریم. دسته‌ای از این مؤسسات، مجریان ورزش و ارائه‌دهندگان خدمات ورزشی به ورزشکاران و علاقه‌مندان هستند و برخی دیگر از این نهادها، تشکیلات اداری و نظارتی سازمان ورزش هستند.

منظور از نهادهای اجرایی ورزشی کلیه مؤسسات، گروه‌ها و مکان‌هایی هستند که به‌صورت مستقیم با انجام حرکات ورزشی در تماس هستند. شاید درنگاه اول این‌گونه به نظر برسد که بهتر بود به جای این عبارت طولانی از کلمه باشگاه استفاده شود، اما این کلمه مفهوم مورد نظر را منتقل نمی‌کند زیرا این سازمان‌ها عبارتند از: ۱. باشگاه‌های ورزشی ۲. دسته‌های ورزشی (تیم‌هایی که بدون داشتن باشگاه فعالیت ورزشی دارند) ۳. کلاس‌های آموزشی ورزشی (مثل کلاس‌های شنا) ۴. تورهای ورزشی (مثل تورهای اسکی) و ۵. مکان‌های ورزشی (استخرهای بدون کلاس آموزشی).

نهادهای اداری و نظارتی ورزشی در ایران عبارتند از ۱. سازمان تربیت بدنی ۲. کمیته ملی المپیک ۳. فدراسیون‌های ورزشی و ۴. هیئت‌های ورزشی استان

در این مقاله ما به بررسی انواع مسئولیت مدنی مدیر ورزشی به عنوان موضوع بیمه مسئولیت مدنی می‌پردازیم. اما مدیر ورزشی کیست؟ در یک تعریف منظور از مدیران در ورزش همه کسانی هستند که در فعالیت‌های ورزشی به طور مستقیم یا غیرمستقیم وظایفی را بر عهده دارند و در صورت بروز حادثه بر حسب مورد ممکن است مسئول

شناخته شوند. گروه اول از مدیران شامل سرمربی، مربی، کمک مربی، مربی بدن‌سازی، معلم ورزش، دبیر ورزش، ناجی غریق، سرناجی، داور، پزشک تیم و امثال آنها هستند که بر فعالیتهای ورزشی به طور مستقیم نظارت و اعمال مدیریت می‌کنند و به آنها مدیران فنی گفته می‌شود. گروه دوم عبارتند از کسانی که بر فعالیتهای ورزشی نظارت فنی ندارند ولی بلافاصله پس از گروه اول، با ورزشکاران و یا با وسایل، تجهیزات و اماکن ورزشی و یا با مدیران گروه اول مرتبط هستند مانند سرپرستان ورزشگاه‌ها و اردوهای ورزشی، کارشناسان، کارشناسان مسئول، مدیران کل تربیت بدنی، رؤسای فدراسیون‌ها، هیئت‌ها و انجمن‌های ورزشی که موسوم به مدیران اداری در ورزش هستند. از دیدگاه حقوقی و به رغم تفاوت وظایف آنها، هر دو گروه بر حسب جایگاه خود در قبال حوادث ورزشی مسئولیت قانونی دارند.

اما ما در این نوشته به دنبال بررسی مسئولیت مدیران فنی نیستیم و دربارهٔ مسئولیت مدیران اداری نیز تنها به بخشی می‌پردازیم که غالباً در آن مسئول شناخته می‌شوند و از لحاظ بیمهٔ مسئولیت مدنی هم مهم هستند. از این رو در اینجا پیرو تقسیم بندی که از نهادهای نظارتی و اجرایی ورزشی کردیم، مدیران ورزشی را کلیهٔ افرادی می‌دانیم که در نهادهای نظارتی و اجرایی ورزشی به صورت کلان اعمال مدیریت می‌کنند. این افراد شامل مدیران باشگاه‌ها و ورزشگاه‌ها، سرپرست سازمان تربیت‌بدنی، رؤسای فدراسیون‌ها، هیئت‌های ورزشی و دبیر کمیتهٔ ملی المپیک می‌شوند.

۲. مسئولیت مدنی مستقیم مدیر ورزشی

مسئولیت مدنی مدیر می‌تواند به صورت غیرمستقیم و ناشی از فعل دیگری باشد یا این که به صورت مستقیم برعهدهٔ مدیر ورزشی قرار گیرد. در این مقاله به مسئولیتهای مستقیم مدیر ورزشی پرداخته شده است. از آنجا که ملاک ما در این تقسیم بندی، ناشی شدن مسئولیت از فعل دیگری و یا فعل خود مدیر است، از این رو در این

قسمت هم مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی مدیر و هم مسئولیت‌های ناشی از اشیای تحت تصرف و تسلط او را بررسی می‌کنیم. این مسئولیت در قبال افراد مختلفی می‌تواند تحقق پیدا کند که به هر یک از آنها در یک گفتار توجه می‌کنیم.

۲-۱. مسئولیت مدنی در قبال ورزش کاران

مدیر ورزشی به صورت مستقیم در برابر دو گروه از ورزش کاران مسئول است؛ گروه اول ورزش کارانی هستند که عضو باشگاه وی محسوب می‌شوند و گروه دوم ورزش کارانی که در حین استفاده از وسایل یا محیط ورزشی متعلق به وی، یا در حین مسابقه با تیم وی و در ورزشگاه او، بدون تقصیر ورزش کاران و افراد دیگر زیان دیده‌اند. لذا این نوع مسئولیت مدنی می‌تواند غالباً مبنای قراردادی پیدا کند.

۲-۱-۱. تعهدات مدیر باشگاه نسبت به بازیکن عضو باشگاه

بازیکن حرفه‌ای با باشگاه ورزشی قراردادی منعقد می‌کند که بر اساس آن بابت شرکت در تمرین‌ها، اردوها، مسابقات آماده سازی، حفظ شرایط بدنی و سرانجام شرکت در مسابقه‌ها مبلغی دریافت می‌کند. بازیکن پیش از پایان مدت قراردادش نمی‌تواند به باشگاه دیگری برود ولی این کار با تحصیل اجازه از باشگاه قبلی - که معمولاً از طریق پرداخت پول به باشگاه اول یا تعویض بازیکنان صورت می‌گیرد - امکان پذیر است. از طرف دیگر باشگاه نیز نمی‌تواند پرداخت حقوق بازیکن را به بهانه استفاده نکردن از او در طول فصل قطع نماید، اما به باشگاه این اختیار داده می‌شود که با پرداخت مبلغی به بازیکن، قرارداد خود را با او فسخ نموده و به اصطلاح او را بازیکن آزاد اعلام نماید تا او بتواند با باشگاه دیگری قرارداد ببندد.

شورای سازمان تربیت بدنی، آیین‌نامه نقل و انتقال‌های بازیکنان و مربیان باشگاه‌های ورزشی را در تاریخ ۷۴/۲/۲۸ در ۲۸ ماده و ۲۵ بند به تصویب رساند. مطابق ماده ۲ این آیین‌نامه، هرگونه نقل و انتقال بازیکنان و مربیان در سطح باشگاه‌های کشور براساس عقد قرارداد بین باشگاه‌ها با بازیکنان و مربیان و با رعایت این آیین‌نامه و دستورالعمل‌های

فدراسیون‌ها باید صورت گیرد. مطابق بندهای ۳ و ۵ ماده ۲۴ این آیین‌نامه باشگاه در قبال بازیکنان دو گونه تعهد برای بیمه کردن بازیکنان و تأمین وسایل ورزشی و ایمنی لازم برای تمرین‌ها و مسابقه‌های آنها بر عهده دارد.

آیین‌نامه لیگ حرفه‌ای فوتبال پا را از این هم فراتر گذاشته و در ماده ۷ خود در بخش‌های مختلف وظایف سنگین‌تری را تعیین کرده است. در بخشی از این ماده آمده است: هر باشگاه موظف به استخدام یک پزشک نیمه وقت و یک فیزیوتراپ تمام وقت برای تیم است و باید قبل از شروع مسابقات، به همراه فهرست نام بازیکنان، مشخصات کامل آنها را نیز به سازمان لیگ اعلام کند.

در بخش‌های بعدی این آیین‌نامه شرایط پزشک، فیزیوتراپ و دستیار فیزیوتراپ از لحاظ مدرک تحصیلی، مکان حضور و وظایف آنها در مسابقات و ثبت مسائل پزشکی آمده است. در بند هفتم از ماده ۷ درباره بیمه پزشکی آمده است: کلیه باشگاه‌های لیگ برتر موظف به گرفتن بیمه درمان کامل بازیکنان و مربیان طرف قرارداد خود هستند. در مورد کارآموزان این بیمه تنها به آسیب دیدگی ناشی از فوتبال مربوط می‌شود.

همان گونه که می‌بینیم فدراسیون فوتبال، تعهدات بیشتری را برای باشگاه‌ها در نظر گرفته و آنها را به اخذ بیمه درمان کامل بازیکنان و مربیان باشگاه ملزم کرده است و نه صرف صدمه‌های ورزشی. در قسمت‌های بعدی این بند به کفایت یا عدم کفایت این تعهدات بر اساس ماهیت قرارداد و نوع پوشش بیمه فدراسیون پزشکی الزام شده، پرداخته شده است.

۲-۱-۲. ماهیت قرارداد باشگاه با بازیکن

برای تشخیص کامل بودن یا نبودن تعهدات در نظر گرفته شده برای مدیر باشگاه باید ماهیت قرارداد باشگاه با بازیکن را دریافت که لازمه این کار، مطالعه مقررات مربوط به قراردادهای متداول است. این قراردادها طبق آیین‌نامه مصوب سازمان تربیت

بدنی تنظیم می‌شوند. بنابراین آیین‌نامه قواعد آمره محدوده آزادی اراده را تا حدود زیادی کاهش داده است و امکان برقراری توافق‌هایی بر خلاف آنها وجود ندارد. گویی این آیین‌نامه به تدوین قراردادی دست زده که تنها نام طرفین عقد و مبلغ آن را خالی گذاشته تا تکمیل شود، ولی این امر مانع از اندیشیدن درباره ماهیت این قرارداد نمی‌شود. البته به آسانی می‌توان گفت که این قرارداد بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی شکل گرفته و قرارداد خاصی است به این ترتیب هر نوع نظامی را می‌توان برای آن پذیرفت ولی به نظر نمی‌رسد به چنین کاری نیاز باشد زیرا به‌رغم برخی نظام‌های خاص در قراردادهای ورزشی، باز هم این قرارداد یک قرارداد کار یا به عبارت دیگر یک عقد اجاره اشخاص است. در اجاره اشخاص کسی که اجاره می‌کند مستأجر و کسی که مورد اجاره واقع می‌شود اجیر و مال الاجاره اجرت نامیده می‌شود (ماده ۵۱۲ قانون مدنی). در ماده ۵۱۴ قانون مدنی هم آمده که خادم یا کارگر نمی‌تواند اجیر شود مگر برای مدتی معین یا برای انجام دادن امر معینی.

در اینجا هم تمامی عناصر عقد اجاره وجود دارد. مستأجر مدیر باشگاه است. او به بازیکن پول می‌دهد و او را اجیر می‌کند تا برای او تمرین و بازی کند. در مورد درصدی که پس از پایان قرارداد، باشگاه قبلی از باشگاه جدید می‌گیرد نیز می‌توان چنین توضیح داد که باشگاه قبلی موجب افزایش مهارت و شهرت بازیکن شده و به همین جهت در ازای این خدمات در ابتدای قرارداد اجاره با بازیکن شرط کرده که درصدی از قرارداد بعدی او را اخذ کند یا این که می‌توان برای باشگاه قبلی حق اولویتی برای تمدید قرارداد با بازیکن فرض کرد و این مبلغ را بابت صرف نظر کردن از آن حق دانست. سایر شروط این قرارداد نیز مغایرتی با اجاره ندارد. با اجیر دانستن بازیکن، باید قرارداد بین بازیکن و باشگاه را قرارداد کار و تابع قانون کار دانست. مدیر باشگاه کارفرمایی است که با پرداخت حق‌السعی از کارگر (بازیکن) می‌خواهد که در کارگاه (که می‌تواند ورزشگاه یا محل تمرین دیگری باشد) به کاری خاص (تمرین

کردن و مسابقه دادن) پردازد. بنابراین ورزشکاران و قراردادهای آنها را باید در چهارچوب قانون کار دانست و لذا مدیر باشگاه - که بنابر تعریف ما مدیر یک شرکت تجاری سهامی است - موظف به پرداخت حق بیمه برای پوشش درمانی، بیکاری، از کارافتادگی و بازنشستگی خواهد بود، ضمن این که سایر مقررات قانون کار هم باید رعایت شود. در هر حال فعلاً ورزشکاران کارگر تلقی نمی‌شوند و مدیر باشگاه متعهد به بیمه کردن آنها از طریق فدراسیون پزشکی است.

۲-۱-۳. مسئولیت مدیر باشگاه در قبال دیگر ورزشکاران

به جز بازیکنان یک باشگاه، امکان دارد بازیکنان سایر تیم‌ها نیز در حین انجام مسابقه یا تمرین در ورزشگاه دچار صدمه شوند. همچنین ممکن است که این اتفاق در اماکن ورزشی دیگر نیز بیفتد مثلاً در یک استخر یا محل دیگری که ورزشکاران برای استفاده از آن پول می‌پردازند. مبنای ما برای مسئولیت مدیر باشگاه در قبال حوادث بدنی بازیکنان عضو باشگاهش اول نص قانونی است که وی را موظف به بیمه کردن ورزشکار می‌کند و دوم مسئولیت مدنی مدیر کارگاه نسبت به کارگرس به دلیل حوادث ناشی از کار است. مطابق آیین نامه مصوب شورای تربیت بدنی، باشگاه ملزم به بیمه کردن بازیکن از طریق فدراسیون پزشکی است. فدراسیون پزشکی برای این کار مقرراتی تحت عنوان دستور العمل نحوه ارائه خدمات درمانی به ورزشکاران و سایر دست‌اندرکاران ورزشی (ناشی از حوادث ورزشی) دارد. در تبصره فصل سوم این دستور العمل آمده است: کلیه افرادی که مبادرت به استفاده از امکانات ورزشی سازمان تربیت بدنی در مکان‌های تحت پوشش سازمان می‌نمایند اعم از ورزشکاران باشگاه‌ها، دسته‌جات آزاد و غیره لازم است تحت پوشش کمیته خدمات درمانی هیئت‌های پزشکی ورزشی ادارات کل تربیت بدنی استان‌های کشور قرار گیرند. بر مبنای این تبصره همه افرادی که از اماکن ورزشی تربیت بدنی استفاده می‌کنند باید زیر پوشش این کمیته قرار گیرند. علیرغم آن که این تبصره معلوم نکرده است که چه کسی ملزم به تحت پوشش قراردادن اشخاص استفاده کننده از مکان ورزشی است، اما واضح است

که این شخص کسی غیر از مدیر ورزشی نمی‌تواند باشد. در نگاه اول به نظر می‌آید این الزام درباره باشگاه‌های خصوصی نیست و صرفاً مربوط به مؤسسات متعلق به سازمان تربیت بدنی است، اما اگر کلمه تحت پوشش را به معنای تحت نظارت تفسیر کنیم، آن گاه می‌توان نتیجه گرفت که این الزام برای کلیه باشگاه‌ها و مکان‌های ورزشی وجود دارد. در عمل نیز با توجه به حق بیمه اندک گرفته شده توسط فدراسیون پزشکی، غالب مؤسسات ورزشی، ورزشکاران و مشتریان خود را تحت پوشش آن قرار می‌دهند. اما از نظر حقوقی این صندوق بیمه داخلی قانونی نیست.

فصل اول دستورالعمل نحوه ارائه خدمات درمانی به ورزشکاران و دیگر دست اندرکاران ورزشی (ناشی از حوادث ورزشی) مصوب ۷۸/۱۱/۲۳ موضوع این دستورالعمل را چنین بیان می‌کند: ارائه خدمات درمانی و تأمین هزینه‌های پزشکی ناشی از حوادث ورزشی هر یک از اعضا در حین انجام مسابقه‌ها، تمرین‌ها، مأموریت‌های ورزشی، مراسم، جشنواره‌ها، اردوهای ورزشی و کلاس‌های آموزشی ورزشی. آنچه از بررسی این دستورالعمل به دست می‌آید این موارد است:

۱. سازمان تربیت بدنی با این دستورالعمل، یک صندوق بیمه درمانی در داخل سازمان ورزشی ایجاد کرده است. صندوقی که به رغم مفید بودن آن، اشاره‌ای به مجوز قانونی تأسیس آن در دستورالعمل فوق نشده است. در حالی که نظارت و اخذ مجوز از بیمه مرکزی ایران لازم است.

۲. این صندوق تنها در خصوص خسارت‌های بدنی برای تأمین هزینه درمان ورزشکاران و دست‌اندرکاران ورزشی فعالیت می‌کند، لذا خسارات وارد بر تماشاچیان و اشخاص ثالث را در بر نمی‌گیرد.

۳. میزان غرامت پرداختی توسط این صندوق در سقف خود حدود ۱۳۰ درصد میزان دیه‌ای است که در حال حاضر توسط دادگاه‌ها حکم می‌شود و الزامی برای عدم مراجعه زیان‌دیده به دادگاه وجود ندارد، لذا این پوشش، بیمه قابل اعتمادی نیست.

۴. با وجود همه نواقص، حداقل سود این دستور العمل آن است که با ملزم کردن باشگاه‌ها به بیمه افرادی که در آنجا فعالیت ورزشی می‌کنند و پذیرش این موضوع از طرف مدیران نوعی اقرار به مسئول دانستن مدیران باشگاه‌ها در قبال این افراد، قابل برداشت است.

۲-۱-۴. ورزش کاران تیم‌های ملی

در خصوص ورزشکاران عضو یک باشگاه و استفاده‌کنندگان از امکانات یک باشگاه، نصوص قانونی خاص داشتیم ولی این مقررات به ورزشکاران تیم‌های ملی که در مسابقات بین‌المللی یا تمرین‌های آماده‌سازی تیم لطمه می‌بینند قابل سرایت نیست، زیرا این ورزشکاران در زمان انجام این امور به عنوان ورزشکار عضو یک باشگاه فعالیت نمی‌کنند و نمی‌توان مدیر باشگاه آنها را مسئول دانست. در واقع این ورزشکاران از طرف کشور و به نمایندگی از کل ملت فعالیت می‌کنند، لذا دولت در قبال این افراد مستقیماً مسئولیت دارد. به همین منظور نیز مصوبات خاصی در هیئت دولت به تصویب رسیده است. مصوبه ۶۲۳۴۶/ ت ۱۷۳۱۶ ه هیئت دولت، مورخ ۱۳۳۷/۵/۱۱، آیین‌نامه تسهیلات تشویقی قهرمانان رتبه‌های اول تا سوم است. این آیین‌نامه تبیین‌کننده تسهیلات تحصیلی، اشتغال، زندگی، از کارافتادگی و همچنین اعطای نشان به این قهرمانان است. در ماده ۴ این آیین‌نامه در خصوص از کارافتادگی ورزشی آمده است: "قهرمانان کشوری، آسیایی، جهانی، المپیک، سیزم، قهرمانی دانشجویان جهان و آموزشگاه‌های کشور در حین تمرین و یا انجام مسابقه از بیمه جسمانی برخوردار بوده و در صورتی که دچار حادثه منجر به صدمه دیدن یا نقص عضو یا فوت شوند، از این مزایا استفاده می‌نمایند. این امر توسط سازمان تأمین اجتماعی به صورت خدمات بلاعوض انجام و آیین‌نامه آن به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید."

در اجرای این ماده، آیین‌نامه معالجه و از کارافتادگی ورزشی در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۳/۳۰ هیئت وزیران به تصویب رسیده است (مصوبه ۱۵۴۹۴/ ت ۲۴۴۳۱، مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۰).

ماده ۱ این آیین‌نامه قهرمان را چنین تعریف کرده است: قهرمان به ورزشکاری اطلاق می‌گردد که به یکی از مدارج قهرمانی زیر نایل شده باشد:

الف) کسب مقام اول تا ششم مسابقات المپیک، پارا المپیک و جهانی

ب) کسب مقام اول تا ششم مسابقات آسیایی، ناشنوایان، نابینایان، ارتش‌های جهان (سیزم) و دانشجویان جهان

پ) کسب مقام اول تا ششم مسابقات قهرمانی کشور، قهرمانی دانشجویان، دانش‌آموزان و کارگران کشور و

ت) مواردی که در فهرست افراد توسط هیئت‌های ورزشی استان‌ها ارائه و به تأیید سازمان تربیت بدنی می‌رسد.

تبصره این ماده، محدوده شمول آیین‌نامه را تعیین کرده است: قهرمانانی که در حین تمرین و مسابقه و سفرهای ورزشی دچار حادثه منجر به صدمه، نقص عضو یا فوت شوند از مزایای این آیین‌نامه برخوردار می‌شوند.

در خصوص این آیین‌نامه‌ها چند نکته باید توضیح داده شود:

۱. مهم‌ترین نقص این آیین‌نامه آن است که صرفاً به قهرمانان توجه کرده و عنایتی به ورزشکارانی که مقامی نیاورده‌اند ولی عضو تیم ملی هستند نکرده است. در این موارد هم رئیس سازمان تربیت بدنی رامی‌توان به نیابت از دولت مسئول دانست.
۲. ملاک این آیین‌نامه برای قهرمان دانستن فرد، در ورزش‌های تیمی ضعیف است. مثلاً فوتبالیستی که عضو تیم ملی می‌شود اگر در حین تمرینات دچار نقص عضو شود، مشمول این آیین‌نامه می‌شود؟ نص ماده ۱ این آیین‌نامه شرط شمول این فوتبالیست را کسب مقام دانسته ولی او که به تنهایی نمی‌تواند در فوتبال مدال کسب کند. آیا باید تیم باشگاهی او مقام آورده باشد؟ اما اگر بازیکن تیم ملی فوتبال یا ورزش‌هایی نظیر آن از تیم انتهای جدول انتخاب شده باشد چگونه؟ به هر حال این از نقایص آیین‌نامه است که می‌باید اصلاح شود.

۳. میزان غرامت‌های در نظر گرفته شده باز هم از حدود دیه مورد حکم در دادگاه‌ها کمتر است (به‌خصوص در مورد نقص عضو) و منعی برای مراجعه زیان‌دیده به محاکم دادگستری در این خصوص وجود ندارد.

۴. تنها در حدود خسارهای بدنی است و اشاره‌ای به عوارض روانی ناشی از صدمه‌های ورزشی ندارد.

۵. علی‌رغم این که فدراسیون‌های ورزشی مسئول تشکیل تیم‌های ملی هستند به دلیل این که ورزشکار تیم ملی به نمایندگی از کشور فعالیت می‌کند، مسئول حوادث بدنی ایجاد شده برای او را باید سرپرست سازمان تربیت بدنی به نمایندگی از دولت دانست.

۲-۱-۵. تحلیل حقوقی با نگاهی به حقوق فرانسه

مسئولیت سازمان‌دهندگان فعالیت‌های ورزشی در قبال ورزشکاران - که به طور معمول مشتریان این مؤسسات هستند - یک مسئولیت قراردادی است. در فرانسه با کمی دقت می‌توان دریافت که یک رویه قضایی پایدار وجود دارد که معتقد است تعهد سازمان‌دهنده فعالیت ورزشی در برابر مشتریان خود یک تعهد به وسیله است. امروزه قضات با وجود در نظر گرفتن این که فعالیت‌های ورزشی با خطر همراه هستند و ورزشکاران این خطر را می‌پذیرند، این امر را نافی امکان اثبات تقصیر مدیر ورزشی نمی‌دانند. تعهد مدیران ورزشی تعهدی یک شکل و در همه موارد نیست. این تعهد می‌تواند به واسطه پارامترهای متفاوتی - که شدت تعهد را معین می‌کنند - تغییر پیدا کند. برای مثال، سن یا تجربه اشخاص ورزشکار یا همین طور ماهیت تفریحی یا بر عکس ماهیت خطرناک ورزش مورد نظر نیز در تعیین مسئولیت مدیر ورزشی تأثیرگذار است. درحالتی که ورزشکار ورزش خطرناکی را انجام می‌دهد، مسئولیت سازمان‌دهنده با تسامح بررسی می‌شود زیرا ورزشکار خودش آزادانه و با اختیار کامل در یک ورزش خطرناک شرکت کرده است. قلمرو مسئولیت مدنی شخص سازمان‌دهنده همین طور بستگی به محتوا و ماهیت قرارداد منعقد شده دارد. در مورد تعریف و توصیف تقصیر

هم، این امر به وضوح توسط دیوان عالی کشور کنترل می‌شود که قضات ماهوری از دیدگاه‌های دیوان در توجیه آرای خود استفاده کنند. البته این امر غیرممکن است که فهرستی از برخوردهای متفاوت در مورد اعمال مسئولیت بر سازمان‌دهندگان فعالیت‌های ورزشی ترتیب داده شود. تقصیرهایی که غالباً دارای ضمانت اجرا هستند و اجازه می‌دهند که تکالیف و تعهدات مدیران ورزشی را مشخص کنیم شامل موارد زیر است:

اول؛ تعهد به دادن اطلاعات: سازمان‌دهندگان یک برنامه (نمایش ورزشی)، می‌باید به شرکت‌کنندگان خطرهای ویژه‌ای را که ممکن است این فعالیت بیافریند گوشزد کنند، خواه به دلیل ویژگی‌های خاص آن فعالیت و خواه به خاطر سن یا تجربه شرکت‌کنندگان در فعالیت ورزشی. در این باره رأی داده شده است که برگزارکننده مسابقه دوچرخه‌سواری در یک جاده باید به دوچرخه‌سواران اطلاعات دهد که مقررات تردد و راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند (دادگاه پژوهش پاریس، ۱۶ مه ۱۹۸۴). همچنین مدیر یک استخر بدین دلیل که اعلام نکرده سورتمه‌های آبی او فقط مخصوص کودکان است مسئول شناخته شده است (شعبه ۱ مدنی دیوان عالی، ۱۸ دسامبر ۱۹۸۵). همین طور رئیس یک مانژ سواری می‌باید اعلام می‌کرد که اسب سوار کار چموش است (دادگاه بخش فونتن‌بلو، ۱۰ فوریه ۱۹۷۱). همین طور مسئولیت مربی قایق‌رانی که اطلاعات کافی به ورزش‌کاران تازه‌کار در مورد حالت‌ها و خطرهای مانور دریایی نداده است (دادگاه پژوهش پاریس، ۳۰ مه ۱۹۷۸). اما نمی‌توان یک مربی سواری را به این دلیل سرزنش کرد که مشاوره‌های لازم را درباره احتیاط‌های ضروری و به‌صورت جزء به جزء و تفصیلی به زیان‌دیده‌ای که مبتدی نبوده، نداده است، زیرا میزان تجربه وی به‌گونه‌ای نبوده است که توجه ویژه به وی اقتضا پیدا کند (رأی شعبه ۱ مدنی دیوان عالی، ۲۲ مارس ۱۹۸۱). همین طور مسئولیتی برای مدیران یک کنوپ راگی که اطلاعات کامل درباره خطرهای این ورزش به مادر یک پسر جوان نداده‌اند، در نظر گرفته نشده است (دادگاه پژوهش تولوز، ۱۵ آوریل ۱۹۷۷).

بنابراین مدیر ملزم نیست که خطرهای عادی ناشی از یک فعالیت ورزشی را به کسی غیر از مشتریان و ورزشکاران بی تجربه گوشزد کند.

دوم؛ تعهد به مراقبت: سازمان‌دهنده یک فعالیت ورزشی باید بر حسن اجرای فعالیت ورزشی نظارت کند. وقتی که قضات ماهوی رأی می‌دهند که هل دادنی که موجب زیان به یک شناگر شده است موجب ایجاد مسئولیت قابل انتساب به شرکتی می‌شود که از آن منتفع می‌شود، همین طور می‌توانند وجود یک تقصیر را که ایجاد کننده مسئولیت برای چنین شرکتی است نتیجه‌گیری نمایند (رأی شعبه ۱ مدنی دیوان عالی، ۲۰ اکتبر ۱۹۷۱).

صاحب یک استخر اگر اجازه دهد که یک شناگر از سکوی شیرجه در زمانی که شناگر دیگری زیر آب است استفاده کند، مسئول شناخته می‌شود (دادگاه پژوهش نیمس، ۲۰ دسامبر ۱۹۷۰). همین طور صاحب یک پاتیناژ در برابر یک مشتری که بر اثر افتادن، صدمه دیده است به آن دلیل که مانع توقف دسته‌ای از پاتینورها (سرخوردگان) که در جهتی خلاف مقررات داخلی پاتیناژ حرکت می‌کرده‌اند نشده، مسئول شناخته شده است (دادگاه پژوهش پاریس، ۲۴ اوت ۱۹۸۳). یک چنین تکلیفی به مراقبت در فضایی بسیار انتزاعی‌تر از وظیفه سازمان‌دهنده فعالیت ورزشی به آموزش و دادن اطلاعات می‌تواند وجود داشته باشد. مثلاً برای صاحب یک مانژ سوارکاری، وظیفه مراقبت تکلیفی مبنی بر این که مانع از سوار شدن یک سوار کار مبتدی بر اسب شود، ایجاد نمی‌کند حتی اگر این شخص از اسب سقوط کند (شعبه ۱ مدنی دیوان، ۲۶ ژانویه ۱۹۸۸) زیرا در اینجا وظیفه مراقبت باوظیفه دادن اطلاعات آمیخته می‌شود و تکلیف دیگری غیر از دادن اطلاعات بر عهده صاحب مانژ قرار نمی‌گیرد.

سوم؛ وظیفه احراز صلاحیت: سازمان‌دهندگان فعالیت‌های ورزشی باید ثابت کنند که صلاحیت اجرای این فعالیت‌ها را دارند و این امر از طریق در اختیارگذاشتن وسایل و نیروهای کارآمد و مجرب در امر نظارت صورت می‌گیرد. مثلاً استخدام تنها یک مربی تنیس برای تعداد زیادی از افراد مبتدی توسط یک شرکت ورزشی تضمین کننده

امنیت این افراد نیست و این شرکت همچنان مسئول شناخته می‌شود. این موضوع در یک باشگاه سوارکاری هم سابقه دارد (دادگاه پژوهش تولوز، ۲۱ مارس ۱۹۸۸ و دادگاه پژوهش پاریس، ۳ فوریه ۱۹۸۲). همین طور رأی داده شده است که یک مؤسسه ورزشی کوهنوردی که عده‌ای را برای گردش دسته‌جمعی دعوت کرده است، مکلف است که از این اشخاص با گماردن یک مربی مجرب مراقبت کند (رأی شعبه ۲ مدنی دیوان عالی، ۸ مه ۱۹۸۷).

همین طور تکلیف مربوط به داشتن صلاحیت یک مؤسسه این تعهد را برای سازمان‌دهندگان ایجاد می‌کند که فعالیت در حال انجام را با سطح و ظرفیت افراد شرکت کننده در فعالیت ورزشی منطبق نمایند. به همین صورت یک مربی اسکی زمانی که اجازه می‌دهد که اسکی بازان مبتدی از یک پیست بسیار مشکل استفاده کنند، مسئول شناخته می‌شود (دادگاه پژوهش پاریس، ۲۶ آوریل ۱۹۸۲). و یا یک مؤسسه سوارکاری که به سوارکاران مبتدی اجازه می‌دهد که از یک راه باز برای تردد و عبور و مرور برای سوارکاری استفاده کنند مسئول شناخته شده است (دادگاه پژوهش پاریس، ۷ ژانویه ۱۹۸۸). یا یک اجاره دهنده اسب که به شخص مبتدی اجازه می‌دهد که به صورت یورتمه سواری کند بدون این که خودش در رکاب او باشد تا بتواند او را مراقبت نماید، مسئول شناخته می‌شود (رأی شعبه اول مدنی دیوان، ۱۳ مارس ۱۹۹۰).

تکلیف مربوط به صلاحیت مستلزم این است که سازمان‌دهندگان فعالیت‌های ورزشی مسیرهای راحت و هموار و بدون خطر را انتخاب نمایند. برای مثال، یک مؤسسه مربوط به سوارکاری تفریحی به دلیل انتخاب مسیری که می‌دانسته در آنجا سگ‌هایی یافت می‌شوند که می‌توانند موجب رم‌کردن اسب‌ها شوند، مسئول شناخته شده است (دادگاه پژوهش پاریس، ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۵).

چهارم؛ تعهد ایمنی: به جز تعهد عمومی و ایمنی که بر عهده سازمان دهندگان فعالیت‌های ورزشی است، این اشخاص همچنین می‌باید اقدامات ویژه‌ای در مورد تضمین ایمنی ورزش‌کاران بر عهده بگیرند، به ویژه درباره تأسیسات و تجهیزات

ورزشی. سازمان دهندگان فعالیت‌های ورزشی باید تأسیسات خود را به گونه‌ای در اختیار ورزشکاران قرار دهند که این تجهیزات مطمئن و منطبق با استفاده‌ای باشد که این ابزار برای آن استفاده در نظر گرفته شده است. به همین ترتیب یک فدراسیون ورزشی که سازمان‌دهنده رقابت ژیمناستیک بوده مسئول خسارت وارد شده به یک ژیمناست است که مطابق قانون نتوانسته در حین پرش از یک تشک استاندارد استفاده کند (دادگاه پژوهش پاریس، ۲۵ فوریه ۱۹۸۷). و یک کلوپ بوکس فرانسوی به دلیل این که سالن مورد استفاده‌اش برای فعالیت ورزشی به تأیید نرسیده بود، محکوم شد (رای شعبه ۲ مدنی دیوان عالی، ۵ دسامبر ۱۹۹۰). به طور کلی رویه قضایی در این خصوص بسیار سخت‌گیر و قاطع نشان داده است، مواردی مانند مسئول شناختن یک سازمان‌دهنده مسابقات تنیس بابت خسارت‌های وارده به یک شخص مبتدی صدمه‌دیده از ضربه راکت بازیکن دیگر، همچنین رأی علیه یک سازمان‌دهنده مسابقات دوچرخه‌سواری که در شب برگزاری از علایم راهنمایی دارای شب نما یا چراغ روشن‌کننده استفاده نکرده است (دادگاه تجدید نظر رنس، ۲۰ اکتبر ۱۹۸۱). یک مؤسسه ژیمناستیک هم که در تجهیز یک نوآموز به کمربندهای ایمنی در حین استفاده از بارفیکس کوتاهی نموده بود محکوم شد (دادگاه پژوهش پاریس، ۱۷ ژوئن ۱۹۸۷)، به‌رغم این که الزامی به فراهم کردن این تجهیزات بر اساس مقررات فدراسیون وجود نداشت.

علاوه بر این موارد، تعهد به ایمنی، سازمان‌دهندگان را هم‌زمان ملزم به داشتن وسایل کمک‌رسانی برای مواقع خطر می‌نماید، لذا در صورت تقصیر یا اهمال در این زمینه، سازمان‌دهندگان از این نظر نیز می‌توانند مسئول قلمداد شوند زیرا شانس کمک‌رسانی یا ایجاد شرایط بهتر برای شخص مصدوم را از وی سلب کرده‌اند. برای مثال یک راهنمای کوهنوردی زمانی که وسایل کمک‌های اولیه را با خود به کوهستان نبرده و نمی‌تواند به شخصی که در یک شکاف افتاده کمک کند مسئول شناخته

می‌شود (دادگاه پژوهش ری چمب، ۶ ژوئن ۱۹۷۸). اما غالباً در حوادث اتفاق افتاده در حین غواصی است که متعهد امداد و کمک‌رسانی مورد مطالبه قرار می‌گیرد. در این زمینه رأیی وجود دارد که حتی در حادثه ناشی از فشار آب که بر اثر بی‌احتیاطی زبان‌دیده رخ داده است نیز تعهد کمک‌رسانی اورژانس بر سازمان دهنده، به منظور محدود کردن نتایج ناشی از حادثه، تحمیل شده است. (رأی شعبهٔ امدنی، ۹ مارس ۱۹۸۳).

پنجم؛ نتیجه‌گیری: آنچه از این گفتار حاصل شد به طور خلاصه این است که مدیر ورزشی به صورت مستقیم در قبال دو دسته از ورزشکاران می‌تواند مسئولیت مدنی داشته باشد. در باشگاه‌های حرفه‌ای، مدیر باشگاه بر این‌مبنا که ورزشکار کارگر او محسوب می‌شود و با توجه به نظریهٔ خطر و به دلیل منافی که از کار او می‌برد و محیط کار وی با توجه به نصوص قانونی، در قبال بازیکنان خود برای جبران خسارهای بدنی و مالی ناشی از حوادث ورزشی در حین تمرین، اردو، مسافرت‌های ورزشی و مسابقات ورزشی مسئولیت مدنی دارد. این مسئولیت در خصوص بیماری‌هایی که پس از دورهٔ قرارداد بروز می‌کنند ولی ناشی از حوادث ورزشی زمان قرارداد یا فشار تمرین‌های آن دوره هستند نیز، در صورت اثبات رابطهٔ علیت، وجود دارد، اما در خصوص سایر ورزشکاران یا مواقعی که مدیر ورزشی به عنوان برگزار کننده مسابقه یا در اختیار قرار دهندهٔ وسایل ورزشی و محل مطرح می‌شود، مدیر ورزشی متعهد به دادن اطلاعات، مراقبت و تأمین امنیت به شرط داشتن صلاحیت لازم است. می‌توان گفت در این گونه موارد، رابطهٔ ورزشکار با باشگاه‌ها و ترتیب دهندگان مسابقه‌های ورزشی مبتنی بر قراردادی است که در این زمینه بسته می‌شود. ویژگی این قرارداد در پذیرش خطرهای ناشی از آن ورزش و مسابقه‌هاست. برای مثال، راننده‌ای که در مسابقهٔ اتومبیل‌رانی یا بوکس شرکت می‌کند و در این زمینه با مؤسسهٔ ورزشی، اعم از باشگاه و انجمن و واسطه‌های ورزشی، پیمان می‌بندد از خطرهای این اقدام آگاه است

و به طور ضمنی آن را می‌پذیرد، پس نمی‌تواند تضمین سلامت خود را بر عهده مربی یا باشگاه بگذارد. بی‌گمان در این قراردادها شرط تعهد ایمنی و سایر تعهدات گفته شده مفروض است ولی مفاد این شرط را باید محدود به تمهید وسایل ایمنی و کوشش در پرهیز از خطر کرد و تضمین نتیجه، به ویژه در خطرهایی که لازمه آنها شرکت در مسابقه و مبارزه است، در قلمرو این شرط نمی‌آید. به بیان دیگر، مفاد تعهد ایمنی ناظر بر تمهید وسیله است نه کسب نتیجه مطلوب. پس در دعوی جبران خسارت ورزشکار، باید تقصیر خواننده و تفریط او در پرهیز از خطر و تمهید وسایل ایمنی اثبات شود.

با این وجود، قانون یا رویه قضایی باید این گونه مؤسسه‌ها را، در برابر سودهای سرشاری که از این رهگذر می‌برند، موظف به بیمه ورزشکاران در خطر کند. اگر این پیشنهاد به عنوان لازمه عرفی تعهد پذیرفته شود، باید گفت که مؤسسه‌های ورزشی در برابر ورزشکاران مسئولیت محض پیدا کرده‌اند و مظهر خارجی این مسئولیت حق بیمه‌ای است که می‌پردازند. البته همان گونه که دیدیم چنین الزامی مبنی بر بیمه کردن ورزشکاران - هر چند به صورت ناقص - به وجود آمده و لذا مدیران ورزشی تا حدود زیادی در این بخش هم به صورت مطلق مسئول شناخته شده‌اند.

۲-۲. مسئولیت در قبال تماشاچیان

در این قسمت این موضوع در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه بررسی می‌شود:

۱-۲-۲. در ایران: مسئولیت ناشی از فعل شخصی یا اموال برای مدیر ورزشی در قبال تماشاچیان در دو حالت قابل تصورات اول این که امکانات یا خود مکان ورزشی باعث بروز خسارت شود. ماده قانونی که در نظام حقوقی ما در این باره وجود دارد، همان ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی است. اما واضح است که برای استفاده از این ماده که می‌گوید: "هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی

دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است" باید تقصیر یا حداقل بی احتیاطی مدیر ورزشی را در خسارت وارد آمده اثبات کرد. دوم این که رفتار ورزشکار حرفه‌ای باعث خسارت شود که در این حالت مسئولیت غیرمستقیم می‌شود.

۲-۲-۲. **نگاهی به حقوق آمریکا:** تماشاگران رویدادهای ورزشی اغلب در معرض خطر صدمه‌های ناشی از توپ‌های خطا، گوی‌های بی‌هدف، برخورد‌های بدنی، جایگاه‌های متزلزل و... هستند. اما خسارت‌های وارده بر آنان در صورتی که در نتیجه خطرات عادی و قابل پیش‌بینی موجود در ذات آن ورزش خاص باشد، جبران نخواهد شد. البته این موضوع قابل درک است، زیرا آنان قانوناً چنین خطرهایی را پذیرفته‌اند. با وجود این، تماشاگران، خطر ضرر و زیان‌های عمدی، صدمات غیرقابل پیش‌بینی و یا خطای ورزشکاران را نخواهند پذیرفت. مثال متداول در این مورد همان حمله بازیکن بیس بال به تماشاگر هتاک در جایگاه است (Atlanta Baseball co. V Lawrence ۱۹۲۸) که البته تقصیر عادی برای احراز مسئولیت مرتکب در قبال صدمه‌های وارده به تماشاگران وافی به مقصود است.

همچنین تماشاگران پذیرای خطرهای ناشی از قصور مسئولان سالن‌های ورزشی در انجام وظایف خود نخواهند بود. اما چون حرفه مالکان و مسئولان اداره اماکن ورزشی دعوت اشخاص برای تماشای بازی است، بدیهی است در قبال شرایطی که سبب آسیب آنان شود مسئولیت خواهند داشت، مشروط بر این که از وجود شرایطی که موجب خطر نامتعارف برای تماشاگران باشد آگاه بوده و یا آگاهی آنها مفروض باشد و تماشاگران نیز نتوانند به وجود چنین خطرهایی پی ببرند و خود را در مقابل آنها محافظت کنند و یا این که در اعمال مراقبت متعارف برای حفاظت از آنها کوتاهی کنند. مسئولان اماکن ورزشی موظفند این اماکن را در شرایط ایمنی متعارف نگهداری کنند و نیز بر رفتار کسانی که از این اماکن استفاده می‌کنند نظارت نمایند تا از ورود صدمه به آنها جلوگیری شود. در چنین صورتی است که تماشاگران می‌توانند قبول کنند که آنها مراقبت‌های متعارف را در تأمین ایمنی اماکن ورزشی اعمال نموده‌اند. با

این وجود، مدیر ورزشی تضمین کننده ایمنی تماشاگر نیست و به همین سبب تماشاگر برای تأمین خسارت‌های وارده به خود ملزم خواهد بود که ثابت کند اقدامات مسئول اجرایی ناقض وظیفه مراقبتی بوده و این نقض علت اصلی صدمه به او بوده است.

همچنین مدیران ورزشی در قبال تقصیر در طراحی، ساخت، نگهداری یا تعمیر امکانات ورزشی نیز مسئول خواهند بود. مورد متداولی که معمولاً در آمریکا با آن روبه‌رو هستند تقصیر در طراحی و ساختار تورهای محافظ در ورزشگاه‌هاست که سبب ورود صدمه به تماشاگران بیس‌بال می‌شود. در پرونده‌ای پسر بچه هشت ساله‌ای در بازی بیس‌بال بر اثر اصابت توپ خطا به شدت مصدوم می‌شود، اما وکیل خواهان ادعا می‌کند که صدمه، ناشی از تقصیر مالک در طراحی و ساختن تورهای حفاظتی بوده است. مالک باید نسبت به تجهیز جایگاه‌ها به توری برای تماشاگران در حدمورد انتظار اقدام می‌کرد تا هرکس تمایل داشته باشد بتواند از آن استفاده کند (Atlanta V Merritt ۱۹۸۴).

اما سؤال اصلی این بود که آیا تقصیر مورد ادعای وکیل خواهان در مورد این که طراحی امکانات، سبب صدمه وارده به پسر بچه بوده درست است یا عاملی دیگر در کار بوده است؟ دادگاه با توجه به این که پرونده را متضمن یک مسئله مهم ماهوی تشخیص داد، رسیدگی اختصاصی به آن را مجاز ندانست. به همین شکل تمام شکایاتی که موضوع آنها تقصیر است احراز علت اصلی در آنها الزامی است. برای مثال باید ثابت شود که سبب اصلی تحقق صدمه، تعمیر نشدن تجهیزات زمین بازی بوده است.

۲-۲-۳. در حقوق فرانسه: واژه تماشاگر در اینجا باید به مفهوم وسیع آن مدنظر قرار گیرد که دربردارنده هر شخصی است که مجاز است در تماشای مسابقه شرکت کند، حتی اگر این تماشا به صورت رایگان باشد. برای مثال، اشخاص دعوت شده و روزنامه‌نگاران هم می‌توانند تصور شوند (رأی شعبه ۱ مدنی دیوان عالی، ۲۱ ژانویه ۱۹۸۱). این مسئولیت به طور عادی دارای ماهیت قراردادی است. دیوان عالی کشور در عمل مدنظر قرار می‌دهد که قرارداد منعقد شده به وسیله سازمان‌دهندگان با

تماشاگران متضمن یک منفعت اصلی برای تماشاگران و یک تعهد ضمنی است که این تعهد ضمنی، تعهد سازمان‌دهنده مبنی بر تضمین ایمنی این اشخاص است. علاوه بر این، گاهی مواردی با مبنای مسئولیت غیرقراردادی نیز پیش می‌آید. این فرض از آنجا مطرح می‌شود که تماشای مسابقات ورزشی عمومی است و برای همه امکان‌پذیر است و ممکن است تماشاچی به صورت رایگان آن را ببیند یا فاقد اراده مفروض و سالم برای انعقاد قرارداد باشد. از طرفی نیز ممکن است شخص زیان‌دیده با تقلب وارد سالن تماشای مسابقات شده باشد، که در این حالت باز هم حق اقامه دعوی جبران خسارت از شخص زیان‌دیده مقصودر ورودش به ورزشگاه، سلب نمی‌شود، ولی رویه قضایی در این موارد به سختی حکم به جبران خسارت می‌دهد. تعهد ضمنی به ایمنی، به صورت وسیله از سال ۱۹۵۴ در رویه قضایی ثبت شده است و در آن موضوع رأی داده شد که سازمان‌دهنده یک مسابقه اسب‌دوانی به صورت اتوماتیک و محض نسبت به یک تماشاگر آسیب دیده از اسب، که به دلیل عدم توجه به موانع محافظ با اسب برخورد کرده، مسئول نیست (شعبه امدنی دیوان عالی، ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۴). این نظر امروزه به صورت نظریه‌ای خدشه‌ناپذیر درآمده و به این ترتیب موضوع شبیه به وضعیت حقوقی شرکت‌کنندگان در مسابقات ورزشی شده است. اما این باور به وسیله برخی حقوقدانان با این استدلال که تماشاگران یک نقش غیرفعال کامل را در مسابقات ورزشی بازی می‌کنند مورد انتقاد واقع شده، به خصوص که در همه حالات این موضوع مسلم نیست که تماشاچیان بر خلاف ورزشکاران (حداقل در سطح حرفه‌ای) خطرهای ناشی از مسابقه را پذیرفته باشند. نهایتاً این که با وجود تحول در حال شکل‌گیری، هنوز هم اصل بر این است که تماشاچی زیان‌دیده برای جبران خسارت، باید تقصیر مدیر ورزشی را به اثبات برساند. این تقصیر غالباً ناشی از آن است که در زمان مقرر شده توسط قوانین جدید، پیش‌بینی‌های ایمنی مصوب توسط مدیر ورزشی

در نظر گرفته نشده است. لازم به توضیح است که در سال‌های اخیر به دلیل افزایش حوادث قانون‌گذار سعی کرده که قواعد موجود را تشدید و تکمیل کند.

بر همین اساس کلیه فضا‌های ورزشی در نظر گرفته شده برای تماشای عمومی مسابقات باید از لحاظ قضایی به گونه‌ای یکنواخت در بیابند (ماده ۱ - ۴۲ از مصوبه شماره ۷۰۹ - ۹۳، ۲۷ مارس ۱۹۹۳). همین طور برای برگزاری مسابقات و نمایش‌های ورزشی، که بیش از ۱۵۰۰ نفر تماشاچی دارند، باید قبلاً به شهرداری آن محل اطلاع داده شود (مصوبه ۶۴۵ - ۹۷، ۳۱ می ۱۹۹۷، بخشنامه شماره ۲۵ اوت ۱۹۹۷ وزیر کشور). نتیجه این که مدیران ورزشی باید اجرای مقررات ایمنی را به اثبات برسانند و در غیر این صورت، مقصر محسوب می‌شوند، ضمن این که مقامات عمومی می‌توانند از شیوه‌های تکمیلی دیگر، مانند استفاده از پلیس بهره بگیرند. (در اینجا باید یادآور شویم که برخی از این مقررات از کنوانسیون اروپایی در مورد خشونت‌ها و شورش‌های تماشاگران در حین مسابقات ورزشی موسوم به کنوانسیون anti-hooligans مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ اخذ شده است.) به هر حال نباید تصور کرد که با اجرای این مقررات و ملاحظه محض و انتزاعی این قانون، مدیر ورزشی از هر گونه مسئولیتی معاف می‌شود. هر چند رأیی وجود دارد که بر اساس آن سازمان‌دهندگان یک مسابقه راگی مسئول حادثه به وجود آمده از سوی بازیکنی که در تعقیب توپ با یک تماشاگر برخورد کرده، شناخته نشده‌اند زیرا این زمین به دستور مقام صلاحیتدار صاف و هموار شده بود (شعبه اول مدنی دیوان عالی، ۳۰ ژانویه ۱۹۶۸). ولی باید اذعان کرد که حداقل هنوز هم تقصیر سازمان‌دهنده می‌تواند به طور مستقل بر اثر نقض قواعد مربوط به ایمنی وجود داشته باشد. بر همین مبنا هم بر اثر حادثه‌ای که برای یک تماشاگر در حین تماشای مسابقه موتور سواری پیش آمد با این استدلال که حادثه بر اثر ترک فعل مدیران ورزشی در عمل به تعهدات قراردادی‌شان مبنی بر انجام تمام اقدامات احتیاطی مختص به تضمین ایمنی تماشاگران، به‌ویژه با ایجاد یک فاصله کافی بین پیست و

مردم، پیش آمده است، سازمان‌دهندگان محکوم شدند (شعبه ۱ مدنی دیوان عالی، ۱۳ فوریه ۱۹۶۲). در پایان باید اضافه کنیم که ارزیابی تقصیر وقتی که تماشاگران زیان‌دیده هستند به نسبت وقتی که ورزشکاران آسیب دیده‌اند سخت‌تر است (به خصوص وقتی که برای تماشای مسابقه پول پرداخته باشند).

۲-۲-۴. نتیجه‌گیری:

نتیجه این که ممکن است ادعا شود که تماشاگران با حضور در میدان‌های ورزشی خطرناک، به‌طور ضمنی آثار احتمالی این اقدام را پذیرفته‌اند ولی این استدلال تنها ممکن است در بعضی از صورت‌های حضور رایگان تماشاگران، وجهی از اعتبار داشته باشد. هر چند در این فرض نیز می‌توان گفت آن که با نمایش بازی جالبی، دیگران را به محلی خطرناک کشانده است باید مسئول خسارت ناشی از این اقدام باشد و رایگانی مسابقه چیزی از این مسئولیت نمی‌کاهد. به ویژه در موردی که برگزارکننده مسابقه به منظور تبلیغ مهارت بازیکنان، دیگران را به محلی خطرناک فرا می‌خواند و رایگانی ورود را وسیله تشویق آنان به حضور در آن محل قرار می‌دهد، مسئول کاهلی و بی‌مبالاتی خود در تمهید وسایل ایمنی آنان است. به‌طور خلاصه، پیش‌بینی وسایل احتراز از خطر، تعهد عام هر برگزارکننده‌ای است، خواه از تماشاگران پولی بگیرد یا آنان را رایگان بپذیرد، جز این که در صورت اخیر، مسئولیت برگزارکننده ناشی از قرارداد نیست و ناشی از تقصیر در ایجاد خطر است.

ولی در فرض شایع فروش بلیت برای دیدن مسابقه، بی‌گمان این شرط ضمنی (بنایی) وجود دارد که ایمنی آنان به هنگام تماشای بازی‌ها حفظ خواهد شد. تعهد ایمنی را باید از لوازم عرفی پیمان اصلی شمرد، زیرا با اندک تأملی می‌توان این بنای عرفی را احراز کرد. تردید و گفت‌وگو تنها دربارهٔ مفاد تعهد برگزارکننده مسابقه و فروشنده بلیت است. دادگاه‌های فرانسه، تعهد ایمنی را در این زمینه تعهد به مواظبت و تمهید تضمین‌های ایمنی دانسته‌اند (وسيله) که زیان‌دیده را موظف به اثبات تقصیر

می‌سازند. ولی بعضی از نویسندگان بر این تعبیر خرده گرفته‌اند که تعهد فروشنده بلیت در برابر پولی که می‌گیرد، تأمین سلامت خریدار در برابر خطر ناشی از تماشا می‌سابقه است. به بیان دیگر، بنای دو طرف بر تأمین این نتیجه است نه تمهید وسایل و مواظبت برای احتراز از خطر. پس، مسئولیت هر صدمه‌ای که تماشاگر ببیند بر عهده طرف قرارداد است، مگر این که ثابت کند ناشی از قوه قاهره یا خطای تماشاگر و تجاوز به نظام برقرار شده بوده است. در تأیید و توجیه این نظراستدلال شده است که تماشاگر هیچ نقشی در اجرای قرارداد ندارد و تنها در پی ارضای نیاز روحی خویش است نه پذیرش خطر. بنای طرفین نیز بر پایه همین خواسته شکل می‌گیرد و ناظر بر تأمین این نتیجه است.

این موضوع از قصد مشترک دو طرف قرارداد تبعیت می‌کند، ولی به نظر می‌رسد که به طور معمول دوطرف اساس را بر تمهید وسایل ایمنی تماشاگر می‌گذارند. در دعوای جبران خسارت نیز باید ثابت شود که برگزار کننده مسابقه در حفظ امنیت تماشاگر و احتراز از خطرهای احتمالی کوتاهی کرده است. لذا تأمین نتیجه بر خلاف ظاهر و اماره، ناشی از غلبه است و نیاز به تصریح یا قرینه قوی دارد و از بنای عرفی قرارداد فهمیده نمی‌شود. به بیان دیگر، تعهد برگزار کننده بر فراهم کردن وسایل پرهیز از خطر است و نسبت به تأمین وسایل بیش از آن تعهدی ندارد و تردید نسبت به عدم ایفای تعهدات مربوط به ایمنی نیاز به ارائه دلیل دارد. دادگاه‌های ما هنوز فرصت اتخاذ رویه قاطعی را در این زمینه نیافته‌اند و پیش‌بینی می‌شود که برمبنای قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تمایل به اثبات تقصیر زیان‌دیده (خواننده) برای احراز انتساب اضرار به او را پیدا کنند.

۳-۲. مسئولیت در قبال دیگر زیان‌دیدگان

منظور از دیگر زیان‌دیدگان سه گروه افراد هستند که ممکن است زیان ببینند ولی در ارتباط مستقیم با انجام حرکات ورزشی نباشند و قراردادی در زمینه فعالیت ورزشی با

مدیر ورزشی نداشته باشند: گروه اول؛ سهام‌داران باشگاه گروه دوم؛ همکاران اجرایی مدیر باشگاه از دیگر دستگاه‌ها و سوم؛ اشخاص ثالث که هیچ گونه ارتباطی با مدیر باشگاه ندارند.

۲-۳-۱. مسئولیت در قبال سهام‌داران باشگاه

خسارتی که سهام‌داران باشگاه می‌توانند از عملکرد مدیر ورزشی در کسوت مدیر شرکت ببینند نوعی خسارت مالی است که بحث آن مربوط به مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌های تجاری است و در آن چارچوب می‌گنجد، لیکن به طور خلاصه در این مورد باید بگوییم که مطابق ماده ۵۱ قانون تجارت، مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد. تعهدات وکیل در برابر موکل در مواد ۶۶۶، ۶۶۷ و ۶۶۸ قانون مدنی پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۶۶۶ قانون مدنی: "هر گاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب گردد، مسئول خواهد بود."

در ماده ۶۶۷ آمده است: "وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده یا بر حسب قراین و عرف و عادت داخل اختیار اوست، تجاوز نکند." و در ماده ۶۶۸ آمده است: "وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد و آنچه را که به جای او دریافت کرده است به او رد کند." بنابراین اگر مدیر در اجرای وظایف قانونی خود قصور کرده باشد، مثلاً مالیات متعلقه به شرکت را به موقع پرداخت نکرده و شرکت جریمه شده باشد در مقابل شرکت مسئول است و باید خسارت شرکت را جبران کند.

آیا هر یک از شرکا می‌توانند علیه مدیر شرکت به علت خسارت‌هایی که به شرکت وارد کرده اقامه دعوی کنند؟ مشکل از آنجا ناشی می‌شود که نماینده شرکت در اقامه دعوی خود مدیر است و هیچ یک از شرکا به تنهایی از طرف شرکت نمایندگی در اقامه دعوی ندارند و از سوی نیز اصولاً مدیر علیه خودش اقامه دعوی نمی‌کند.

در این مواقع اگر مدیر جدیدی منصوب شده باشد، می‌تواند علیه مدیر قبلی طرح دعوی کند، اما اگر مدیر سابق هنوز مدیر شرکت باشد، هر یک از شرکا صرفاً بابت خسارهایی که به خود او (سهام او) وارد شده می‌تواند اقامه دعوی نموده و مطالبه خسارت کند. ماده ۱۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت نیز، در مورد مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌های سهامی است: "مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد، منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود." در مورد دعوی شرکت علیه مدیران باید دو حالت را از یکدیگر تفکیک کرد: ۱. بعضی از مدیران تخلف کرده باشند، ۲. همه مدیران تخلف کرده باشند. در حالت اول، سایر مدیران که طرف دعوی نیستند از طرف شرکت علیه مدیران متخلف اقامه دعوی می‌کنند. البته به موجب ماده ۲۷۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، سهام‌دارانی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت است می‌توانند به نام و از طرف شرکت به هزینه خود، علیه مقام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل اقامه دعوی کنند. در حالت دوم، مجمع عمومی می‌تواند همه مدیران متخلف را عزل کرده و مدیران جدید انتخاب کند که در این حالت مدیران جدید وظیفه طرح دعوی علیه مدیران سابق را بر عهده دارند. البته مانند حالت قبلی، سهام‌داران شرکت با شرایط مذکور در ماده ۲۷۶ حق اقامه دعوی از طرف شرکت را دارند.

همچنین به موجب ماده ۲۷۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت "مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید به نحوی از انحا حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید." اما در خصوص دعوی سهام‌داران علیه مدیران برای جبران خسارت وارده به خود، مسلماً این نوع دعوی وقتی مصداق پیدا می‌کند که اقدام مدیر به ضرر سهام‌دار یا سهام‌داران معینی باشد؛ اقداماتی که به تبع ضرر زدن به شرکت به سهام‌داران نیز ضرر می‌زند مشمول دعوای شرکت بر علیه مدیران می‌شود. مصداق بارز این فرض موردی است که مدیر یا مدیران سود سهام بعضی از سهام‌داران را خود تصاحب کرده باشند یا سهام جدید تخصیص یافته بعضی از سهام‌داران را بر خلاف مقررات قانونی و اساسنامه امضا کنند ولی تحویل ندهند. در یک باشگاه ورزشی نیز، مدیر ورزشی مانند مدیر یک شرکت تجاری دیگر در قبال سهام‌داران باشگاه مسئولیت مدنی دارد.

۲-۳-۲. مسئولیت در قبال همکاران

منظور از همکاران، کارمندان مدیر ورزشی نیستند، بلکه منظور کسانی هستند که در برگزاری فعالیت ورزشی با مدیر ورزشی همکاری دارند. در حقوق ایران بحثی یا مقرراتی در این خصوص وجود ندارد و تنها به مقررات عمومی قانون مسئولیت مدنی می‌توان استناد کرد. اما در فرانسه یک رویه قضایی غالب نظر می‌دهد که تعهد قراردادی بین همکاران و سازمان‌دهنده وجود ندارد و این اشخاص، که غالباً مسابقه را رایگان می‌بینند، به جهت نداشتن قرارداد، از تعهد ایمنی هم بی‌بهره هستند. بنابراین، این امر به طور عادی به این اشخاص وابسته است که بار اثبات تقصیر شخص سازمان‌دهنده را مطابق مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی بر عهده بگیرند. در ماده ۱۳۸۲ آمده است: هر عمل انسان که باعث خسارت به دیگری شود او را مسئول خسارتی می‌کند که از تقصیر و خطای او ناشی شده است، و در ماده ۱۳۸۳: هر کس علاوه بر مسئولیت خسارت‌های ناشی از خطا و تقصیرش مسئول خسارت‌های ناشی از

بی‌احتیاطی یا غفلت خود نیز هست. بر همین مبنا یک سازمان دهنده مسابقه دوچرخه‌سواری مسئول حادثه‌ای قلمداد شده است که بر اثر برخورد دوچرخه‌سواری با یک مأمور پلیس پیش آمده بود زیرا این شخص سازمان‌دهنده، اقدامات احتیاطی برای تضمین امنیت محیط تحت پوشش دوچرخه‌سواری را انجام نداده است در حالی که هشدار دادن به مأموران و عموم تماشاگران و دوچرخه‌سواران بر عهده سازمان‌دهنده بوده است (رای شعبه ۲ مدنی دیوان عالی، ۲۹ مارس ۱۹۶۲). با این وجود زمانی که خسارت به واسطه یک شیء به وجود می‌آید، رویه قضایی سعی می‌کند که شخص زیان‌دیده را از مسئولیت خود به خود بر اساس بند ۱ ماده ۱۳۸۴ (قانون مدنی فرانسه)، با مفروض‌گرفتن این امر که نگهداری و مراقبت از شیء بر عهده سازمان‌دهنده بوده، برخوردار سازد. بر همین اساس بر مسئولیت مالک اسبی که اسبش را به طور رایگان در اختیار فرد دیگری قرار داده بود تا مسیری را طی کند ولی این فرد از اسب سقوط کرد و مجروح شد، به استناد مسئولیت مالک بر مراقبت از اسب (ماده ۱۳۸۵) حکم داده‌اند (رای شعبه ۲ مدنی دیوان عالی، ۲۹ مارس ۱۹۷۷). در برخی از فرض‌ها، رویه قضایی وجود یک مسئولیت قراردادی را بین شخص سازمان‌دهنده در قبال این نوع افراد همکار پذیرفته است. این افراد همکار، افرادی حقوق‌بگیر بوده‌اند و در نتیجه مقررات مربوط به حوادث ناشی از کار در مورد آنها جاری شده که به نظر می‌رسد این مقررات تحمیل‌کننده تعهد به نتیجه است. این راه حل در مورد داورانی که در یک مسابقه ورزشی خسارت دیده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است (رای شعبه ۱ مدنی دیوان عالی، ۴ آوریل ۱۹۷۸). اما در موارد دیگری که اصلاً هیچ‌گونه پولی رد و بدل نشده است رویه قضایی برای این که بتواند زیان‌دیده را از مزایای عدم لزوم اثبات تقصیر مدیر ورزشی در مسئولیت قراردادی بهره‌مند سازد تمایل دارد که نوعی قرارداد همیاری بین خسارت دیده و سازمان‌دهنده فرض کند. نمونه آن رأیی است که در آن یک کلوپ هوایی، مسئول حادثه به وجود آمده برای خلبانی شناخته شده که به‌طور

رایگان یک هوایمای بدون موتور را در چارچوب آزمایش‌های پرواز با گلایدر، یدک می‌کشید. (رای شعبه ۱ مدنی دیوان عالی، ۲۱ دسامبر ۱۹۷۸).

۲-۳-۳. مسئولیت در قبال اشخاص ثالث واقعی

مسئولیت سازمان‌دهندگان در صورت عدم وجود قرارداد، موضوع یک مسئولیت غیرقراردادی است، بنابراین به طور عادی این امر به عهده اشخاص زیان‌دیده است که تقصیر سازمان‌دهنده را به اثبات برسانند. به همین ترتیب، برگزارکننده یک مسابقه دوچرخه‌سواری در قبال عابر بی‌خبری که از چهارراه می‌گذشته به دلیل عدم مراقبت از چهارراه‌هایی که توسط نیروهای امنیتی تحت کنترل نیستند، تقصیر کرده و مسئول است (رای شعبه ۲ مدنی دیوان عالی، ۲۱ دسامبر ۱۹۸۶).

البته نباید فراموش کرد که رویه قضایی در اثبات تقصیر سازمان‌دهنده به نفع تماشاچیان راحت‌تر از زیان‌دیدگان ثالث رای داده است. با این وجود اگر خسارت به وسیله یک شیء ایجاد شده باشد، مدیر ورزشی بر اثر اعمال بند ماده ۱۳۸۴ می‌تواند مسئول نگهداری این شیء قلمداد شود. مثلاً یک کلوپ ورزشی به دلیل این که دروازه‌های متحرک متعلق به خود را پس از پایان فصل در مکان درسته‌ای قرار نداده بود، در قبال نوجوانی که از دروازه‌ها به عنوان میله باریکس استفاده کرده و مصدوم شده بود مسئول شناخته شد (رای شعبه ۲ مدنی، ۷ مارس ۱۹۸۵). همان گونه که می‌بینید قضات در اینجا به فعال بودن یا نبودن نقش شیء توجه نکرده‌اند و صرفاً ضمانت اجرای اهمال کلوپ را مدنظر قرار داده‌اند. اما در میان اشخاص ثالث، باید جایگاه جداگانه‌ای را برای کسانی قابل شد که قربانی همسایگی خود با یک مؤسسه ورزشی شده‌اند. در عمل مواردی پیش آمده که همسایگان یک مکان ورزشی بر اثر اجرای فعالیت ورزشی خسارت دیده‌اند. در این زمینه رویه قضایی در مورد اعمال تئوری «خسارت وارد آمده به سبب همسایگی» تردیدی نمی‌کند. این تئوری بر اساس نظمی مستقل از هر گونه تقصیر و بر مبنای نامتعارف، ناهنجار و خطرناک بودن رفتار

مؤسسه ورزشی، به خصوص در موارد ناآرامی‌های ورزشی، ایجاد شده است. نمونه آن مسئول شناخته شدن یک کلپ گلف به سبب خسارت‌های ناشی از توپ‌های فرستاده شده به پشت بام همسایه (دادگاه پژوهش pau، ۵ ژوئن ۱۹۸۵) و یک باشگاه تنیس به دلیل خسارت‌های ناشی از ضربات تنیس در یک محله مسکونی است (رأی شعبه ۳ مدنی دیوان عالی، ۲ ژوئن ۱۹۹۳).

۳. محتوای قرارداد بیمه مسئولیت مدنی مدیران ورزشی

۳-۱. قرارداد ممکن در ایران

آنچه در محتوای این قرارداد اهمیت دارد بیمه‌گذار، موضوع بیمه و حق بیمه است. بیمه‌گذار می‌تواند سرپرست سازمان تربیت بدنی، رؤسای فدراسیون‌ها، رؤسای هیئت‌های ورزشی و مدیران باشگاه باشد.

خطرهای قابل بیمه سرپرست سازمان تربیت بدنی عبارتند از: خطرهای ناشی از حوادث بدنی و زیان‌های مالی وارده به ورزشکاران تیم‌های ملی جین تمرینات و مسابقات. سرپرست سازمان تربیت بدنی در قبال ورزشکاران تیم‌های ملی به نمایندگی از دولت مسئولیت خواهد داشت. به علاوه، خطرهای ناشی از اماکن ورزشی تحت کنترل سازمان تربیت بدنی شامل بیشتر اماکن ورزشی بزرگ مثل استادیوم‌های ورزشی، که در تملک سازمان تربیت بدنی هستند، جزو مسئولیت سرپرست سازمان است. اما در مورد مسئولیت مدنی ناشی از این خطرها باید توجه داشت که مبنای مسئولیت مدنی رئیس سازمان بر تقصیر است. و اگر او در زمینه بروز آن خسارت مقصر نباشد، مدیر مستقیم ورزشگاه می‌تواند مسئول قلمداد شود که البته در کلیه این موارد باید به ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی در مورد مسئولیت مدنی کارمندان دولت و این که خسارت از نقص وسایل یا قصور مدیر ناشی شده، عنایت داشت. برای رئیس فدراسیون ورزشی فقط می‌توان خطر ناشی از برگزاری مسابقات و اردوهای ورزشی را

ذکر کرد، آن هم حوادثی که ناشی از برنامه‌ریزی نادرست مسابقات بوده است. مثلاً اگر رئیس فدراسیونی در وضعیتی مثل ایام سوگواری خاصی، در منطقه‌ای که مردم به داشتن تعصبات مذهبی شدید معروف هستند مسابقه‌ای را طرح‌ریزی کند و باعث درگیری طرفداران تیم‌های ورزشی و ساکنان متعصب آن محل شود، در این حالت مسئول خواهد بود یا مانند حوادث ناشی از نقص برنامه‌ریزی و تدارکات اردوهای تمرینی تیم ملی که در این حالت رئیس فدراسیون مسئول تلقی می‌شود.

رؤسای هیئت‌های ورزشی نیز در محدوده فعالیت‌های استانی یا شهری خود، مسئول برگزاری مسابقات و برنامه‌ریزی برای آنها هستند و خطری که می‌تواند برای آنها وجود داشته باشد ناشی از قصور در این گونه موارد است. خطرهای قابل بیمه برای مدیران باشگاه‌ها شامل این موارد است: کلیه حوادث بدنی و زیان‌های مالی وارده به ورزشکاران عضو باشگاه، کلیه خسارت‌های ناشی از حوادث بدنی و زیان‌های مالی وارده به ورزشکارانی که در مکان ورزشی متعلق به مدیر باشگاه یا حین مسابقه با تیم وی، زیان دیده‌اند؛ خسارت‌های وارد آمده به تماشاچیان به شرط این که ناشی از امکانات باشگاه باشد، خسارت‌های ناشی از تقصیر افراد تحت قرارداد با مدیر باشگاه مثل بازیکنان، مربیان و کارمندان که بر ورزشکاران یا افراد ثالث دیگر وارد شده‌اند.

با توجه به مباحث مطرح شده حوادث ناشی از تقصیرهای عمدی مدیر ورزشی، اعمال غیرقانونی، شورش‌های خیابانی و ازدحام‌های ورزشی، تقلب، خسارت‌های ناشی از بیماری‌هایی که در نتیجه حوادث پیش از تنظیم قرارداد به وجود آمده‌اند و حوادثی که در ورزش‌هایی رخ داده‌اند که مدیر برای انجام آنها مجوز قانونی لازم را نداشته است، جزو مواد استثنای بیمه هستند.

۲-۳. نگاهی به قرارداد بیمه مسئولیت مدنی ورزشی در فرانسه

غالباً بیمه‌های معمولی قابلیت پوشش حوادث ورزشی را به دلیل شروط رافع ضمانت موجود در آیین‌نامه‌ها و مقررات ورزشی ندارند لذا باید بیمه‌های خاصی در این موارد

طراحی شوند. اما مقررات الزام کننده بیمه در خصوص ورزش کمی آشفته بوده است. اولین قانون در زمینه بیمه ورزشی، آیین نامه مورخ ۲۸ اوت ۱۹۴۵ بود که تا ۵ می و ۶ ژوئیه ۱۹۶۲، که در رأی موسوم به آرای Herzog صادر شدند، به اجرا در نیامده بود. با این آراء هم بیمه مسئولیت و هم بیمه حوادث الزامی شد. این آیین نامه به موجب قانون ۲۹ اکتبر ۱۹۷۵ فسخ گردید. در حالی که قانون جدید موسوم به Mazaud هیچ گونه مقرراتی مربوط به بیمه نداشت و به همین دلیل سیستم قبلی تحت عنوان عرف باقی ماند. ولی این وضعیت رضای کننده نبود زیرا الزام به بیمه تنها در مسابقات مطرح بود و از طرف دیگر آنچنان ضوابط شکننده‌ای بود که دیوان عالی کشور را مجبور کرد که رأی بدهد که پذیرش این نوع بیمه‌ها به تنهایی باعث رهایی فدراسیون‌ها از مسئولیت خودشان در فروضی که نتوانسته‌اند نظر ورزشکاران را برای امضای قراردادهای تکمیلی جلب کنند نمی‌شود (رأی شعبه ۱ مدنی دیوان عالی، ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۶). زوال نسبی آرای Herzog تبیین کننده دلیل تقنین قانون‌گذار در سال ۱۹۸۴ است. در این سال قانون‌گذار بیمه مسئولیت را اجباری کرد ولی در زمینه بیمه حوادث اشخاص سیستم اختیاری را پذیرفت. در زمینه بیمه مسئولیت، اصل مقرر شده در ماده ۳۷ قانون ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۴ مؤسسات ورزشی را ملزم به امضای قرارداد بیمه مسئولیت کرده است. این تعهد بر گروه‌های ورزشی و به عبارت رساتر بر فدراسیون‌ها و باشگاه‌هایی که این گروه‌ها عضو آن هستند و سازمان‌دهندگان مسابقات ورزشی به جز دولت، مالکان سالن‌های ورزشی یا ورزشگاه‌ها و به طور کلی مؤسساتی که دارای فعالیت‌های فیزیکی هستند اعمال می‌شود. بیمه‌گذاران این قراردادها کلیه افرادی هستند که مسئولیت آنها اجباراً باید مورد تضمین قرار گیرد نظیر گروه‌های ورزشی، سازمان‌دهندگان فعالیت‌های ورزشی، مالکان و مدیران باشگاه‌ها، متصدیان و ورزشکاران. نفع‌برندگان از این بیمه نیز همه اشخاص زیان‌دیده‌ای هستند که خسارت به آنها وارد شده و این خسارت برای افراد بیمه شده مسئولیت ایجاد کرده است.

نتیجه گیری

بیمه مسئولیت مدنی مدیران ورزشی نوعی از بیمه است که در آن سرپرست سازمان تربیت بدنی، رئیس فدراسیون، رئیس هیئت‌های ورزشی و مدیر باشگاه به عنوان بیمه‌گذار از طریق یک شرکت بیمه به عنوان بیمه‌گر، مسئولیت مدنی خود را در قبال صدمه‌های بدنی و خسارت‌های مالی که ناشی از تقصیرهای خود یا مستخدمانشان است بیمه می‌کنند. این خسارت‌ها می‌توانند بر ورزشکاران تحت قرارداد با باشگاه یا سایر ورزشکاران و حتی افراد ثالث و تماشاچیان وارد آیند اما به دلایل زیر این نوع بیمه تا سال‌ها نمی‌تواند در ایران مطرح شود:

۱. حقوق ورزشی ما بسیار ضعیف است به گونه‌ای که کوچک‌ترین تعریف‌ها مثل باشگاه ورزشی، مدیر ورزشی و امثال آنها در قوانین ما وجود ندارد.
۲. در ایران هنوز ورزش حرفه‌ای و لوازم آن شناخته نشده است.
۳. انحصار طلبی دولتی و رانت‌خواری مانع از تملیک باشگاه‌های ورزشی بزرگ به مردم شده و اجازه حضور فعال بخش خصوصی را در این عرصه نمی‌دهد.
۴. ورزشکاران با حقوق خود آشنا نیستند و در موارد اندکی برای احقاق حق خود به دادگاه مراجعه می‌کنند.
۵. هیچ گونه الزامی در خصوص بیمه مسئولیت مدنی در ورزش وجود ندارد.
۶. درهم آمیختگی وظایف و مدیریت نهادهای ناظر ورزشی مانع از تفکیک دقیق مسئولیت‌ها در این حوزه‌ها می‌شود.

اما برای داشتن بازاری به عنوان بیمه مسئولیت مدیران ورزشی باید زیرساخت‌های حقوقی و اقتصادی ورزش اصلاح شود. برای رسیدن به این هدف باید:

الف) فدراسیون‌ها، هیئت‌های ورزشی و کمیته ملی المپیک که نهادهایی غیردولتی هستند، استقلالشان حفظ شود و نباید از اهداف اصلی خود، که فعالیت‌های ورزشی همگانی و آماتوری است، دور شوند.

ب) فدراسیون‌های ورزشی آماتوری نمی‌توانند برگزار کننده لیگ‌های حرفه‌ای باشند. بهتر است اجرای این لیگ‌ها به اتحادیه باشگاه‌ها و نهادهایی از این دست سپرده شود.

پ) وضعیت مالی باشگاه‌های ورزشی بزرگ فعلی به صورت شفاف عرضه شده و به تدریج به بورس پیوندند.

ت) مقرراتی مبنی بر لزوم به ثبت رسیدن و شکل تجاری داشتن باشگاه‌ها، حداقل در سطح باشگاه‌های بزرگ، به تصویب برسد.

ث) قانون سازمان تربیت بدنی و آیین‌نامه فدراسیون‌ها تغییر کند و پیش‌بینی ورزش حرفه‌ای در آن صورت گیرد.

ج) مقررات لازم برای تبیین مسئولیت مدیران ورزشی درباره حداقل پیش‌بینی‌ها برای حفظ سلامت ورزش‌کاران و تماشاچیان به تصویب برسد. پس از اصلاح مقررات و ایجاد شرایط حداقل از لحاظ قانونی برای امر ورزش در ایران، آن گاه می‌توان از این نتایج سود برد:

۱. مسئولیت مدیر باشگاه ورزشی در قبال ورزش‌کاران عضو باشگاهش بر اساس نظریه خطر تبیین می‌شود و در قبال آنها مسئولیت مدنی دارد.

۲. رابطه بازیکن با مدیر باشگاه حرفه‌ای مانند رابطه کارگر و کارفرما است، لذا طبق مقررات قانون کار باید وی را از انواع پوشش‌های بیمه‌ای بهره‌مند سازد.

۳. مسئولیت مدیر باشگاه در قبال دیگر ورزش‌کاران و افرادی که بدون داشتن نقشی، نظیر بازیکنان و کارمندان باشگاه، صرفاً به خاطر امکانات و برنامه‌ریزی باشگاه خسارت دیده‌اند، مبتنی بر اثبات تقصیر است.

کلیه خطرهای ایجاد کننده مسئولیت مدنی (به‌جز موارد آشوب و ازدحام‌های ورزشی) در چارچوب مقررات و اصول بیمه‌ای می‌توانند تحت پوشش بیمه مسئولیت مدنی مدیران ورزشی قرار گیرند. تعهدات بیمه‌گر و بیمه‌گذار و پایان قرارداد این بیمه با سایر بیمه‌ها تفاوتی ندارد و از همان ضوابط تبعیت می‌کند.

منابع

۱. آقایبی نیا، حسین. (۱۳۸۰)، حقوق ورزشی، نشر میزان.
۲. چامپیون جونیور، والترتی. (۱۳۷۴)، مبانی حقوقی ورزش‌ها- ترجمه حسین آقایبی نیا، کمیته ملی المپیک.
۳. حانمی، علی و دیگران. (۱۳۸۰)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، خلیج فارس.
۴. خزائلی، محمد. (۱۳۳۹)، مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر.
۵. کاتوزیان، ناصر. "خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۳، بهار ۷۸.
۶. جنیدی، لعیا. "تقصیر زیان‌دیده"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۶، زمستان ۷۷.
۷. روزنامه گلستان ایران، سال اول، ش ۷.
۸. Carlsen - chris sports injuries (obstacles to recovery) - Trial magazine-August ۱۹۸۹ - P.P.۷۶،۷۷.
۹. Mouly - Jean - sports - R'pertoire de droitcivil - V:۱۰. ۲۰۰۱ Dalloz



پروفیسر شمیم شاہد گیارہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی